

رویکرد امام سجاد (ع) در برابر خلیفه خونریز اموی

۲۸ آبان ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۳۹

امام زین العابدین که دوران زندگیش با حکومت عبدالملک مقارن بود تاثیر زیادی در نگرش مثبت عبدالملک بن مروان نسبت به خودش داشت.

عبدالملک بن مروان، پنجمین خلیفه اموی (بنی امیه) سال ۲۶ هـ ق در مدینه بدنیا آمد. پدرش مروان بن حکم بود که مدتی خلیفه اموی و زمام حکومت آنها را در دست داشت.

عبدالملک در مدینه بزرگ شد و بعد از اینکه پدرش از دنیا رفت، سال ۶۵ ق در سن ۴۰ سالگی خلیفه امویان در دمشق شد. قبل از اینکه خلیفه شود، پیوسته در مسجد بود و قرآن می خواند و خودش را با زهد و عبادت در نظر مردم موجه جلوه می داد بطوریکه او را "حمامة المسجد" یعنی کبوتر مسجد می گفتند ولی به محض رسیدن به خلافت، با همه ارزش های اسلامی و اخلاقی، خداحافظی کرد و چون قرآن تلاوت کرد، آن را برهم نهاد و گفت: «هَذَا فِرَاقٌ بَيْنِي وَبَيْنِكَ وَ هَذَا آخِرُ الْعَهْدِ بِكَ؛ این آغاز جدایی میان من و توست و این آخرین دیدار با توست».

در اوایل خلافتش، حجاز، شام و عراق، آشفته بود. در مکه، عبدالله بن زبیر خلیفه بود. مختار ثقفی در کوفه به خونخواهی امام حسین (ع) خروج کرد اما عبدالله بن زبیر، برادرش مصعب را به جنگ مختار و تصرف کوفه فرستاد که در این جنگ مختار مغلوب و کوفه بدست "مصعب بن زبیر" افتاد.

او لشگری جمع کرد تا به جنگ عبدالملک بن مروان رفت، ولی عبدالملک برای اینکه بتواند با فراغت بال، کار عراق را سامان دهد، پیمان ترک مخاصمه با امپراطوری روم بست و بلافاصله از دمشق به عراق و به جنگ مصعب رفت که در این جنگ، مصعب کشته شد و عبدالملک وارد کوفه شد و همه را به بیعت با خودش دعوت کرد و مردم با او بیعت کردند و او بر تخت خلافت نشست.

از بزرگترین کارهای خبیث عبدالملک این بود که بلافاصله شخص خونریز و پلیدی بنام "حجاج بن یوسف بن عقیل ثقفی" که بسیار بی باک و دشمن آل علی (ع) بود بر جان و ناموس مردم مسلط کرد. حجاج خیلی زود به جنگ عبدالله بن زبیر، در مکه فرستاده شد، او را کشت و مکه را تصرف کرد و از آن به بعد، در نزد خلیفه عبدالملک، عزیزتر شد و حکومت حجاز را به دست گرفت و بعدا حاکم عراق و خراسان نیز شد. حدود بیست سال برکوفه که مرکز انقلاب های شیعه بود، حکومت کرد دهها هزار

شیعه را کشت یا به زندان انداخت.

از دقایع دیگر زمان عبدالملک، جنگ با دولت روم بود که به سبب امتناع امپراطور روم از قبول سکه طلای جدیدی که به امر عبدالملک، ضرب شده بود تجدید شد. اگر چه در اوائل خلافتش فتوحاتی نصیب او توسط برادرش محمد بن عبدالملک، در آسیای صغیر و ارمنستان شده بود، ولی این فتوحات از جنبه های ارضی، اهمیتی نداشت و زمینه را برای لشگرکشی های جانشین عبدالملک فراهم کرد.

*امام چهارم، حضرت زین العابدین در زمان عبدالملک

امام زین العابدین که دوران زندگیش با حکومت عبدالملک مقارن بود تاثیر زیادی در نگرش مثبت عبدالملک بن مروان نسبت به خودش داشت و امام نیز از همین موضوع، حداکثر استفاده را در پیشبرد برنامه خود، انجام داد و این نگرش در اثر کرامت و بزرگواری امام نسبت به مروانیان، به خصوص پدر عبدالملک در جریان انقلاب مدینه بود آنجا که در اوضاع بحرانی مدینه، همه افراد بنی امیه را از شهر بیرون کردند، امام علیه السلام به درخواست مروان بن حکم، همسر او را که دختر "عثمان بن عفان" بود در کنار خانواده اش جای داد و از او پذیرائی کرد.

*برخورد عبدالملک با امام زین العابدین

از آنجا که ریاست ناحق، باعث نابودی تمام ارزش ها و خوبی ها می شود و شیوه های پسندیده همه فراموش می گردد عبدالملک بعد از مدتی، رفتارش را با امام سجاد علیه السلام، تغییر داد تا جائی که دستور داد آنحضرت را دستگیر و به غل و زنجیر بکشند و او را به مرکز حکومت بیاورند. اگر چه امام با اعجاز الهی خود را از زنجیر آزاد کرد و با «طی الارض» نزد او ظاهر شد و بعد به مدینه برگشت.

*خلیفه شاعر و خونریز

خلیفه ای با هیبت و کاردان بود و از شعر و ادب، اطلاع زیادی داشت. وی در روز شنبه ۱۴ شوال سال ۸۶ هـ ق، در سن ۶۶ سالگی در دمشق از دنیا رفت. مدت خلافتش بیست و یکسال و اندکی بود. ۱۷ پسر داشت که چهار نفر از آنها خلیفه شدند.

منبع:فارس

آدرس مطلب :

